مجید حدوست | مهر

پای صحبت دانش‌آموزان و روایت دغدغه‌های آنان

امروز ما را بسازید تا فردای ایران را بسازیم

پرونده امروز «جوان» هر چند درباره بخش مغفول نظام آموزش و پرورش، یعنی حوزه تربیتی و پرورشی است، اما خود دانش‌آموزان هم دغدغه‌هایی دارند که باید شنید و مکتوب کرد و بازتاب داد. از آنان پرسیدیم: همیشه گفته‌اند و می‌گویند که دانش‌آموزان آینده‌سازان کشور هستند. حالا شما یی که مخاطب این جمله هستید، برای ما بنویسید یا بگویید برای ساختن آینده کشورتان، چه انتظار و توقعی از معلمو، والدین، جامعه یا دولت و رسانه دارید؟ پاسخ‌ها را در ادامه می‌خوانید.

آینده‌ساز خوب، شرایط خوب درس خواندن می‌خواهد

کیمیا برابر نوشت: من به عنوان دانش‌آموز پایه ششم از مدارس و معلمان انتظار بدهد به نظر من مشاور از خط کشاب کار شود تا مبرای رفتن به دبیرستان اماده باشیم. آموزش‌وپرورش کتاب‌های کار به مدارس بدهد به نظر من مشاور از این جمله که دانش‌آموزان آینده‌سازان کشور هستند، یعنی باید خوب درس بخوانیم تا در آینده فرد مفیدی برای جامعه باشیم. پس باید شرایط خوب درس خواندن، شامل خوب و وضعیت اجتماعی خوب بسیار مؤثر باشد.

روش کلی زندگی کردن را باید آموزش دهند

ترنم دانش‌آموز پایه هشتم: او دانش‌آموز پویا و فعالی است و در حال حاضر هم در کار آموزی پارک فناوری پردیس شرکت می‌کند. چراکه حیطه علاقه‌اش فناوری اطلاعات و ارتباطات است. وی در پاسخ به سؤالم نوشت: از نظر من در جامعه امروز عمدتاً تحصیلات افراد با رشته‌ای که برای درس خواندن انتخاب کرده‌اند، بی‌ارتباط با شغل آینده که من برای خودم این مورد را نمی‌بینم و دوست دارم دانسته‌هایم مرتبط با شغل آینده‌ام باشد. توقعم استعدادیابی بچه‌ها در مدرسه است و این استعدادیابی باید صرفاً دو سال آخر تحصیلی باشد، بلکه حیاتی زودتر و بعد از دبستان باید اتفاق بیفتد، مثلاً کلاس ششم به بعد خیلی جدی‌تر ورود پیدا کنند. من دوست دارم در مورد اجاره یا رهن یا خرید، اطلاعات داشته باشم اما بلد نیستم. من دوست دارم پس‌انداز کردن را یاد بگیرم اما نمی‌دانم چطور. در حالت کلی روش زندگی کردن درست را به ما بیاموزند. امروز بسیاری از همکلاسی‌های ما اضطراب اجتماعی دارند و حتی قادر به گفت‌وگوی ساده روزمره نیستند. امکانات آموزشی فیزیک و شیمی کم است و اگر امکانات بیشتر بود، رشد درس‌خواندن چندین برابر می‌شد. ضبط کردن صدای معلم‌ها کمک بزرگی به درس خواندن می‌کند که محروم از آن هستیم. در حال حاضر کتاب است که بیشتر وقت ما را می‌گیرد و اگر زمان اضافه در مدرسه برای انجام آن باشد، خیلی بهتر است، چراکه در منزل فرصت مناسبی برای مطالعه نداریم.

فاطمه دانش‌آموز پایه دهم: بزرگ‌ترها کمتر به معلمت سرکوب‌گیرند. هیچ‌کس از خودمان دلسوزتر برای خودمان نیست. در نگاه من سختگیری‌های بیش از اندازه مرفا برای بالا بردن رتبه‌های ما در مدرسه یا مدیر در سطح منطقه و کشور است، به خصوص در مدارس غیرانتفاعی، یعنی ما برای رقابت بین مدارس هستیم

امروز را در دست بسازند تا آینده را بسازیم

حسام پایه دوازدهم و سال پیش رو، کنکوری است. او رشته ریاضی می‌خواند. حسام در پاسخ من نوشت: ما بچه‌ها را فکر و تلاش می‌سازیم اما کاش امروز ما را امکانات درست بسازند. در کنار این موضوع از خانواده‌ام گلایه دارم و از هم انتخاب مسیر دور برای مدرسه بود. از یک جایی به بعد فهمیدم درگیر تجمل هستند اما برای مبارزه نداشتم. من رافوبی خواسته خودشان کردند و نمی‌ارزد و قدرم در مسیر تلف می‌شود.

استفاده ابزاری از دانش آموز در مدارس درست نیست

فاطمه دانش‌آموز پایه دهم است. وی برایم نوشت: بزرگ‌ترها کمتر به ما سخت بگیرند. هیچ کس از خودمان دلسوزتر برای خودمان نیست. در نگاه من سختگیری‌های بیش از اندازه صرفاً برای بالا بردن رتبه‌های آن مدرسه یا مدیر در سطح منطقه و کشور است، به خصوص در مدارس غیرانتفاعی، یعنی ما ابزاری برای رقابت بین مدارس هستیم.

برای انتخاب مسیر دلخواه آزاد باشیم

سپهر پایه یازدهم است. پسر یکی از دوستانم است. دانش‌آموزی پویا، فعال و برتر است و در خانواده‌ای بزرگ شده که عمدتاً پزشک هستند و سپهر هم می‌خواهد پزشکی بخواند. از او می‌پرسم خودت می‌خواهی دکتر شوی یا از تو اینگونه خواسته‌اند. برایم نوشت: خودم خواستم، اما این خود خواستن برای منی است که پدر و مادرم هر دو پزشک هستند. چاره‌ای جز دکتر شدن ندارم چراکه پدربزرگ و مادربزرگم هم پزشک هستند. کاش والدین به علاقه بچه‌ها توجه داشته باشند. من دلم می‌خواست موسیقی بخوانم و در این راه موفق بشوم اما مجبور هستم ادامه مسیر خانوادگی را طی کنم. همیشه حسرت کسانی را می‌خورم که پدر و مادرشان اجازه می‌دهند و نباید به آن مسیر دلخواه رابروند. این را برابرها به پدر و مادرم گفته‌ام اما از نظر آنها من نمی‌توانم وصله ناجور یک خانواده پزشک باشم.

به ابعاد روحی و فکری هم بپردازیم

محمد امانت برایم نوشت: وی در پاسخ به سؤالم برایم نوشت: سیستم آموزشی کشور مامبتنی بر آموزش است که اتفاقاً به شدت افول و سازنده است. اگر که در اکثر کشورهای دنیا امروزش چندان قوی نیست و به سایر ابعاد روحی، پرورشی و فکری دانش‌آموز تبدیل شده‌اند که منزلت اجتماعی آنها پایین آمده است و نتوانسته‌ایم قشر فرهنگی داشته باشیم که به جایگاه خود افتخار کنند.

وی ضمن نقد صریح نسبت به خروجی اندک اثرگذاری پسروش اظهار داشت: کارنامه آموزشی برای خروجی تحصیلی ارائه می‌شود، در حالی که مؤلفه تربیتی و پرورشی برای تلاش‌ها، صرف انضباط در انتهای کارنامه است.

این مدرس دانشگاه ضمن انتقاد از فقدان نهادینه‌شدن فضائل پرورشی در مدارس یادآور شد: نظام آموزشی ما کار آمدی لازم را ندارد و در پایان ۱۲ سال افتخارات تربیتی برای دانش‌آموز ندارم، در حالی که باید در بعد پرورشی کارنامه ارائه کنیم.

وی افزود: مشکل از مجریان ما در آموزش‌وپرورش است که نمی‌توانند به رسالت خود عمل کنند چراکه سعد تحول بنیادین ریل گذاری آموزش‌وپرورش را مشخص کرده است. وی با اشاره به دنبال دانشگاه می‌رود و درس فراتر تعلیم می‌بیند، یعنی ۱۲ سال دانش‌آموز آموزش قرآن دارد اما در دوران دانشگاهی نیز آموزش روحانی فکر مجازی باشد، باید تلاش کنیم اما توصیه ما به دانش‌آموزان این است که وقت می‌گذرد و باید قدر آن را بدانند.

وی فقدان مهارت‌آموزی را نقد وارده به سیستم آموزش‌وپرورش دانست و بیان کرد: دانش‌آموزان امروز تحصیل علم از حجامه کاربردی نمی‌دانند و رغبتی هم برای آن ندارند، در حالی که اگر به سمت مهارت آموزی می‌رفتیم، دانش‌آموزان برای تحصیل انگیزه بیشتری داشتند.

وی به مثالی در این زمینه اشاره کرد و گفت: در کشورهای دیگر مثل اسرائیل با به دنبال مهارت فرد هستند نه صرف کسب مدرک و ما نیز باید به این سمت برویم که دانش‌آموز بداند سیستم آموزش به سمت آینده‌نگری و مهارت‌آموزی می‌رود.

این کارشناس تعلیم و تربیتی به نقش خانواده‌ها برای پرورش خلاقیت فرزندان اشاره و اضافه کرد: خانواده‌ها باید به فکر انتقال و آموزش مهارت‌های زندگی فرزندان خود باشند و در این زمینه برنامه اگر دنار داشته باشند. امروز خانواده نباید بگوید تربیت را محول به آموزش‌وپرورش کردم و سلب مسئولیت کند. متأسفانه خانواده‌ها فرزند خود را رها می‌کنند در حالی که جای خالی پرورش در سیستم جامعه را خود باید پر کنند و به دنبال فضاهایی باشند که مهارت را به فرزندشان منتقل می‌کند یا در فضای منزل این مهارت را انجام دهند.

سعید تقی‌آبادی، مدیر بازنشسته آموزش‌وپرورش و مدرس دانشگاه:

وقتی پرورش همراه آموزش نباشد نخبه‌های‌مان بدون تعلق خاطر ترک‌وطن می‌کنند

سعید تقی‌آبادی، مدیر بازنشسته آموزش‌وپرورش و مدرس دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان» با تمرکز بر ضرورت ایعاد پرورشی در سیستم آموزش کشور برای دانش‌آموزان پیال کرد: بر اساس آموزه‌های دینی ما شاید بهتر بود تام آموزش‌وپرورش را وزارت پرورش و آموزش می‌گذاشتیم چراکه پرورش مقدم بر آموزش است.

وی اظهار کرد: وقتی به آموزش تک‌بعدی توجه شود، نتیجه و برون‌داد آن بچه‌های نخبه‌ای هستند که تعلق خاطر چندانی به وطن خود ندارند و به عنوان فرار مغزها به کشورهای دیگر می‌روند و حاضر به خدمت‌رسانی در اینجا نیستند.

به اعتقاد وی بـه رغم ادعـای آموزش‌وپرورش بـرای کار کردن روی ایعاد پرورشی اما توجه چندانی به این مهم نشـده است و ما نیازمند برنامه فرایندمحور برای برآورده کردن فضائل انسانی در دانش‌آموزان هستیم.

وی توضیح داد: در کشورهای غربی می‌گویند ما به دنبال این هستیم فرد را برای شهروند خوب بودن تربیت کنیم و حقوق شهروندی را آموزش دهیم، در حالی که ما به دنبال مؤلفه‌های حکومت دینی هستیم که اسم آن را حیات طیبه اسلامی می‌گذاریم اما در عمل توجهی نمی‌کنیم.

وی ضمن انتقاد از اسناد بالادستی نسبت به توجه به مسائل آموزشی و پرورشی گفت: ما فلعه‌های علمی را در سیستم آموزشی فتح کرده‌ایم اما چنین حرفی در مورد موضوعات پرورشی وجود ندارد. هر چند از همین جوانان شهید حججی‌ها بیرون می‌آیند اما انتظار داریم حججی‌ها زیاد باشند که این رویکرد در آموزش‌وپرورش وجود ندارد، بنابراین ما نیاز داریم معلمان به لحاظ فضائل انسانی بیشتر روی خود کار کنند.

تقی‌آبادی با تأکید بر اینکه اعدادی نیروی انسانی برای خدمت مهم است، افزود: ما نیاز داریم فرهنگیان ما حسن خدمت آموزش ببینند اما متأسفانه معلمان امروزبه فشری تبدیل شده‌اند که منزلت اجتماعی آنها پایین آمده است و نتوانسته‌ایم قشر فرهنگی داشته باشیم که به جایگاه خود افتخار کنند.

بر اساس آموزه‌های دینی ما شاید بهتر بود تام آموزش‌وپرورش را وزارت پرورش و آموزش می‌گذاشتیم چراکه پرورش مقدم بر آموزش است. وقتی به آموزش تک‌بعدی توجه می‌شود، نتیجه و برون‌داد آن بچه‌های نخبه‌ای هستند که تعلق خاطر چندانی به وطن خود ندارند و به عنوان فرار مغزها به کشورهای دیگر می‌روند و حاضر به خدمت‌رسانی در اینجا نیستند

وی به مثالی در این زمینه اشاره کرد و گفت: در کشورهای دیگر مثل اسرائیل به دنبال مهارت فرد هستند نه صرف کسب مدرک و ما نیز باید به این سمت برویم که دانش‌آموز بداند سیستم آموزش به سمت آینده‌نگری و مهارت‌آموزی می‌رود.

این کارشناس تعلیم و تربیتی به نقش خانواده‌ها برای پرورش خلاقیت فرزندان اشاره و اضافه کرد: خانواده‌ها باید به فکر انتقال و آموزش مهارت‌های زندگی فرزندان خود باشند و در این زمینه برنامه اگر دنار داشته باشند. امروز خانواده نباید بگوید تربیت را محول به آموزش‌وپرورش کردم و سلب مسئولیت کند. متأسفانه خانواده‌ها فرزند خود را رها می‌کنند در حالی که جای خالی پرورش در سیستم جامعه را خود باید پر کنند و به دنبال فضاهایی باشند که مهارت را به فرزندشان منتقل می‌کند یا در فضای منزل این مهارت را انجام دهند.

مهدی علی‌اکبرزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان:

مسائل پرورشی دانش‌آموز ان جایی در ذهن والدین معدلی و نمره‌ای ندارد

به گفته عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، خانواده و والدین در زمینه تربیت کودک و نوجوان نقش اول را دارند و این والدین هستند که در خانواده‌ها قبل از آشنایی فرزند خود با فضای بیرونی به آنها بیعت اعظامی کنند.

مهدی علی‌اکبرزاده به «جوان» گفت: خانواده‌ها می‌توانند نقش رسانه را در ذهن بچه‌ها تثبیت کنند تا در بزرگسالی با چنین مفهومی آشنا باشند.

مدیرعامل اسبق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در رابطه با چگونگی ایفای نقش خانواده‌ها در بعد تربیتی فرزند خود افزود: داشت ما در موضوع والدین‌پروری غفلت کرده‌ایم و از آنجا که یک کودک زیر دست ماه، پرورش پیدا می‌کند، بنابراین والدین از فرزند پروری می‌اطلاع هستند. در حالی که باید جای این نوع از تربیت در سیستم آموزشی ما باز شود تا در آینده والدینی بتوانند اصول ایفای نقش خود را فراتر از موضوعات مادی بدانند.

به اعتقاد این کارشناس فرهنگی، از آنجا که زیربساخت‌های تربیتی از ابتدا فراهم نمی‌شود، در نتیجه معلمان ما در مدرسه از همان ابتدا با مشکل مواجه می‌شوند.

علی‌اکبرزاده با تأکید بر اینکه باید به هر شکل ممکن ضرورت تربیت والدین گوشزد شود، یادآور شد: منظور از تربیت صرفاً مستقیم نیست بلکه باید اطلاعات درست و به‌روزی در اختیار مادران و پدران قرار داده شود تا کانسی‌های موجود در زمینه تربیتی را جبران کنند.

به اعتقاد مشاور اسبق هنری وزیر آموزش‌وپرورش، چشم و هم‌چشمی‌های مربوط به تحصیل آنچنان رواج یافته که معدل درسی ملاک می‌شود و خانواده‌ها عمدتاً در گیر اصول آموزشی هستند تا در این رقابت‌ها پیروز شوند. در حالی که برای آنان پیروزی در میدان پرورشی ملاک نیست و همین نوجوان وقتی جوان شود، توانایی اداره خانواده و بچه را ندارد و این چرخه باطل همچنان ادامه دارد.

وی توضیح داد: پدر و مادران ما به لحاظ مادی نشانی بسیاری می‌کنند در حالی که حتی نمی‌دانند فرزندشان در سنین مختلف از چه اسباب‌بازی‌ای باید استفاده کند و این فقدان اطلاعات والدین و خانواده‌ها نگران کننده است، در نتیجه اطلاعات باید دائماً گوشزد شود تا والدین نقش تربیتی خود را فراموش نکنند. برخی از بچه‌های ما که در مدارس و مهدها بزرگ می‌شوند، نوعی عقده و خلاء بعد از والدین دارند. من نمی‌گویم تمام آموزش‌ها از مجرای رسمی باشد بلکه آموزش غیررسمی و در فضای عادی و روابط انسانی بازخورد و نتیجه بهتری دارد و باید دائماً خانواده‌ها را مطلع کنیم.

وی به ابعاد فرهنگی غیرمستقیم از جمله رسانه و فیلم اشاره کرد و ادامه داد: ما برخی مواقع متوجه نیستیم یک فیلم سینمایی چه تأثیر مثبت یا منفی در ذهن فرزندمان می‌گذارد. نکته کلام بد یک اصل تربیتی است که به خانواده‌ها می‌دهند و نباید به آن بی‌توجه بود. حتی فیلم‌های تربیتی حالی است و فیلم‌هایی تولید می‌شود که به بعد پرورشی اهمیت نمی‌دهد.

مدیر کل سابق آزمون‌های پرورشی یادآور شد: گاهی با نمایش یک فیلم نامناسب از سوی فرزند، تمام آنچه خانواده‌ها در طول سال‌ها رشته بوده‌اند، پنبه می‌شود. در نتیجه ساخت فیلم‌های تربیتی و مفید بسیار قابل اهمیت است. گاهی یک فیلم اخلاقی مثل حقوق شهروندی و خواهش از محیط زیست و سایر موضوعات عادی روی شان‌ذل آموزی تأثیر بیشتری دارد و شاید بهتر باشد خروجی رسانه‌ای در بعد پرورشی اهمیت بیشتری از آنچه دارد.

وی با طرح این سؤال که آیا رصد فرهنگی و تربیتی در این زمینه وجود دارد یا صرفاً در حد گفت‌وگو و حرف بسنده می‌شود، بیان کرد: ارتباط بین معلم و خانواده باید با فرار از انجمن اولیا و مربیان باشد و هر معلمی باید با والدین تمامی دانش‌آموزان ارتباط مجازی داشته باشد و مأنماً در رفت و برگشت با یک دیگر صحبت کنند اما متأسفانه سیستم آموزشی ما صرفاً در مسحور است. هماهنگی میان مدرسه و خانه به پرورش دانش‌آموز کمک می‌کند و باعث می‌شود تضادی نداشته باشند که نتیجه عکس بدهد. در این زمینه دانش‌آموز همانگی را باید لمس کند و ببیند.

چشم و هم‌چشمی‌های مربوط به تحصیل آنچنان رواج یافته که معدل درسی ملاک می‌شود و خانواده‌ها عمدتاً در گیر اصول آموزشی هستند تا در این رقابت‌ها پیروز شوند. در حالی که برای آنان پیروزی در میدان همین نوجوان وقتی جوان شود، توانایی اداره خانواده و بچه را ندارد و این چرخه باطل همچنان ادامه دارد

جواد

پرویز رزاقی روانشناس، مشاور خانواده و استاد دانشگاه:

فعالیت پرورشی توأم با نشاط و هماهنگ با خانواده‌ها اثرگذار است

آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که کیفیت آن بر کیفیت سایر نهادها تأثیرگذار است. هر چند در سال‌های اخیر نگاه به مدارس تک بعدی شده است اما این نگاه را باید تغییر داد چراکه به گفته مشاوران و مربیان تربیتی، رشد پرورشی دانش‌آموزان می‌تواند مشکلات آموزشی را پوشش داده و آنرا ارتقا ببخشد. پرویز رزاقی روانشناس بالینی، مشاور خانواده و استاد دانشگاه نیز معتقد است اگر علم و دانش، رنگ خدایی نداشته باشد و اخلاق را از بین ببرد، بزرگ‌ترین حجاب است و باعث می‌شود جامعه بیمار، افسرده و پرخاشگر شود و در آخر جامعه را به مرز هلاکت روانی برساند. گفت‌وگو با این استاد را می‌خوانید.

****

کار پرورشی در مدارس مورد رضایت نیست؛ این حرف خیلی از دلسوزان نظام آموزشی و هم پرورشی است. شما مقصران اصلی را چه کسی، کسانی یا سازمانی می‌دانید؟

وقتی از نظام آموزشی برای خدمت به فرزندان این مرز و بوم صحبت می‌کنیم، پس مقصر یک نفر یا یک سازمان نیست، بحث همه گیر است و همه سطوح جامعه را در بر می‌گیرد. بنابراین همه آنهایی که مستقیم و غیر مستقیم در کار پرورش دخالت دارند می‌توانند افراد را تأثیرگذاری باشند مانند مقامات درجه اول حکومت تا دولت که بخش اجرای قوانین را عهده دارد و مجلس که قانون تصویب می‌کند تا وزیر آموزش و پرورش و مدرسه که قدرت اجرایی دارد تا خانواده... همه و همه نقش دارند. لذا اگر کاستی در این نهادها اتفاق بیفتد، متوجه فرزندان و دانش‌آموزان خواهد شد.

کمبود بودجه و نیروی انسانی جوان و با تجربه پرورشی، دغدغه بسیاری از مدیران مدارس است. قول‌هایی برای حل این مشکل داده شده است اما تا تصویب قوانین و اجرایی شدن آنها شاید زمان زیادی را داشته باشیم. چه پیشنهادی دارید تا فعالیت‌های پرورشی بر زمین نماند؟

در چنین شرایطی، مدیران مدارس باید از پتانسیل و نیروهای کارآمد در مدرسه استفاده کنند تا در جهت پرورش دانش‌آموزان قدم برداشته شود. همانطور که اگر کلاسی معلم نداشته باشد، مدیر مدرسه سعی می‌کند به شکل‌های مختلف آن را اداره کند تا دانش‌آموز بیکار نماند و این خلأ پر شود، همین روش در حوزه پرورش باید انجام شود تا به مقصود برسند.

به نظر شما فعالیت‌های پرورشی مطلوب نسل امروز باید شامل چه برنامه‌هایی باشد تا تعداد بالایی از دانش‌آموزان را جذب کند؟

فعالیت‌های پرورشی زمانی مطلوب است که بر اساس نیازهای جنسیتی طراحی شده باشد. مثلاً برای پرورش دانش‌آموزان پسر یک شکل و برای دانش‌آموزان دختر به شکلی دیگر طراحی و متناسب با فکر و رشد دانش‌آموز صورت گیرد. همچنین این برنامه‌ها باید از در پچه و کانال ارتباطی ورودی خود فرزندان مشخص شود نه از منظر و نگاه ما چراکه دنیای ما، پدیده‌ها و الگوهای پرورشی ما متفاوت است. پس نباید آنها را از منظر خود ببینیم. اگر بخواهیم الگوهای ثابت و قبول شده‌ای ارائه کنیم، باید آنها را برنامه‌ریزی و تنوریزه کرده سپس به شکل عملی و کاربردی متناسب با فرزندان پیاده کنیم تا بتوانیم درصد بالایی از دانش‌آموزان را جذب و ذوق و اشتیاق به آن فعالیت‌ها را ایجاد کنیم. ارتباط خوب با دانش‌آموزان هم از عواملی است که می‌تواند اجرایی کردن برنامه‌ها را بالا ببرد.

از نگاه شما ویژگی‌هایی یک مربی پرورشی چیست؟

یک مربی خوب باید با دانش روانشناختی روز در ارتباط باشد. از علم ارتباط برخوردار باشد. او باید شناخت دقیق و عمیقی از دنیای دانش‌آموزان در مقاطع مختلف به دست آورد و با یک اطلاع جامع و کامل بتواند با آنها ارتباط برقرار کند. صبور و آرام باشد نه اینکه دانش‌آموزان را بلافاصله و اجباراً به سمت و سوی انجام فرائضی مثل نماز و روزه سوق دهد بلکه از روش درگیر کردن و انداختن توپ در زمین بچه‌ها استفاده کند. دانش‌آموز را در انجام مراسمانی مثل زیارت عاشورا و نماز جماعت و به بهانه‌های مختلف مثل داوطلب نذری دادن در گیر کند. مغرور و تند برخورد نکند و در ادبیات صحبت با آنها دقت کند و خدایی نکره از ادبیات زشتی استفاده نکند.

فعالیت‌های پرورشی در صورت برخورداری از ویژگی نشاط، دانش‌آموزان را شاداب می‌کند و شادابی موجب انجام کارهای سالم عامل و اجتماعی می‌شود. ایجاد سم‌عامل محبوبیت، مقبولیت و موفقیت که در هر انسانی حائز اهمیت است، با فعالیت‌های مناسب پرورشی، ممکن می‌شود

فعالیت‌های پرورشی توأم با نشاط و غفلت از آنها آسیب‌های بسیاری دارد. با بیان چند مورد خانواده‌ها را با این دستاوردها و آسیب‌ها آشنا کنید.

انجام این قبیل فعالیت‌ها در صورت برخورداری از ویژگی نشاط، دانش‌آموزان را شاداب می‌کند و شادابی موجب انجام کارهای سالم عامل و اجتماعی می‌شود. حتی دین و ایمان آنها را سالم نگه می‌دارد. در اصل ایجاد سم عامل محبوبیت، مقبولیت و موفقیت که در هر انسانی حائز اهمیت است دانش‌آموزان را با مناسب پرورشی، ممکن می‌شود. محبوبیت یعنی، دانش‌آموز دوست دانش‌آموز را بداند و دیگران هم او را دوست داشته باشند. مقبولیت یعنی مورد قبول دیگران قرار بگیرد و احساس مهم بودن کند. موفقیت هم یعنی خانواده‌ها و معلمان باید تلاش‌های کم دانش‌آموزان را ببیان و موفقیت‌های حاصل را به او یادآوری کنند. در بررسی‌ها نشان داده شده است دانش‌آموزان در هر انسانی حائز اهمیت است که باید به مطالبه عمومی خانواده‌ها تبدیل شود.

این کارشناس تربیتی به «جوان» توضیح داد: ما نتوانسته‌ایم به خانواده‌ها بقبولانیم که دانش‌آموز در پایان دوران تحصیل باید زندگی آینده خود را مدیریت کند و صرفاً آموزش‌وپرورش را در بعد آموزشی پاسخگو کرده‌ایم.

یکی دیگر از موضوعات مورد بحث با این کارشناس موضوع بی‌توجهی نوجوانان امروز به مفهوم «زمان» بود که وی درباره آن گفت: به تناسب فناوری روز و رشد آن آموزش ما رشـد نکرده، یعنی دانش‌آموز با یک دریای اطلاعات مواجه اسـت. در حالی که ما می‌خواهیم او را با شیوه سنتی سر کلاس بنشانیم تا صرفاً مفاهیم ما را بشنود.

به اعتقاد وی، شیوه‌های سنتی دیگر جواب نمی‌دهد و عمدتاً باید محتوای جذاب بسازیم که برای دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کند.

تقی‌آبادی ضمن نقد بسترهای فعلی مجازی آموزش‌وپرورش گفت: اگر ما می‌خواهیم آموزش برای دانش‌آموزان جذاب‌تر از سـایر موضوعات باشد، باید تلاش کنیم اما توصیه ما به دانش‌آموزان این است که وقت می‌گذرد و باید قدر آن را بدانند.

وی فقدان مهارت‌آموزی را نقد وارده به سیستم آموزش‌وپرورش دانست و بیان کرد: دانش‌آموزان امروز تحصیل علم از حجامه کاربردی نمی‌دانند و رغبتی هم برای آن ندارند، در حالی که اگر به سمت مهارت آموزی می‌رفتیم، دانش‌آموزان برای تحصیل انگیزه بیشتری داشتند.

وی به مثالی در این زمینه اشاره کرد و گفت: در کشورهای دیگر مثل اسرائیل به دنبال مهارت فرد هستند نه صرف کسب مدرک و ما نیز باید به این سمت برویم که دانش‌آموز بداند سیستم آموزش به سمت آینده‌نگری و مهارت‌آموزی می‌رود.

این کارشناس تعلیم و تربیتی به نقش خانواده‌ها برای پرورش خلاقیت فرزندان اشاره و اضافه کرد: خانواده‌ها باید به فکر انتقال و آموزش مهارت‌های زندگی فرزندان خود باشند و در این زمینه برنامه اگر دنار داشته باشند. امروز خانواده نباید بگوید تربیت را محول به آموزش‌وپرورش کردم و سلب مسئولیت کند. متأسفانه خانواده‌ها فرزند خود را رها می‌کنند در حالی که جای خالی پرورش در سیستم جامعه را خود باید پر کنند و به دنبال فضاهایی باشند که مهارت را به فرزندشان منتقل می‌کند یا در فضای منزل این مهارت را انجام دهند.

نگاه بعضی از خانواده‌ها با برنامه‌ها و اهداف پرورشی مصوب در مدارس زاویه دارد. چگونه دانش‌آموزی که در فعالیت‌های پرورشی مشارکت دارد، دچار تضاد و دوگانگی نشود؟

آموزش خاص مدرسه است و پرورش تلفیقی از مدرسه و خانواده است. هر چه تعامل بین خانواده و مدرسه بیشتر باشد بچه‌ها پرورش خوبی پیدا می‌کنند. با از پرورش بهتری بهره می‌برند. به همین دلیل خانواده و مدرسه را عامل مهم پرورش می‌دانیم.

نظام خانواده باید هماهنگ با شیوه پرورش مدرسه باشد. گاهی مدارس، پرورش را طبق سلایق خودشـان انجام می‌دهند، در حالیکه ممکن است این سـلیقه با ارزش‌های خانواده ناهماهنگ باشد. بنابراین یک الگوی تعارض بین خانواده و مدرسه شکل می‌گیرد که آسیب‌زاست. در بسیاری از موارد الگوهای پرورشی مدارس حتی با سیستم حکومتی، جامعه و فرقه‌های جامعه شناختی مغایرت دارد. در چنین شرایطی خانواده تلاش می‌کند فرزند را از آن مدرسـه بیرون آورد و اگر نتواند آن تغییر را ایجاد کند، شروع به رفتارهای مقابله‌ای می‌کند به فرزند آموزش می‌دهد از این الگوی پرورشی و تربیتی پیروی نکن. بنابراین یک الگوی جدید متفاوت از الگوی پرورشـی و تربیتی مدرسه برای مدرسه پیاده می‌شود.

معاونین و مربی‌های پرورشـی نیز باید از الگوهای پرورشی و فرهنگ پرورشی به خانواده‌ها پیروی کنند و آن وقت است که رابطه خوبی شکل می‌گیرد. به طور مثال وقتی برای سـخنرانی به یک مدرسـه دعوت می‌شـویم، نوع بافت و فرهنگ آن منطقه را بررسـی می‌کنیم و بعد موضوع را انتخاب و شروع به سـخنرانی می‌کنیم. مربی پرورشی باید زاویه نگاه شخصی را به حداقل برسـاند. از طرفی خانواده‌ها نیز تلاش کنند تا با فعالیت‌های فرزندشان در مدرسـه هماهنگ و همسو شوند. اگر در بعضی موارد مخالفتی داشتند دانش‌آموز را مجبور به انجام و قبول آن نکنند چراکه موجب فاصله از خود، مدرسه و خانواده می‌شود. بنابراین تا شاید بعد کاری کنیم که بچه‌ها بتوانند خود را آدم‌های مفید و ارزشمند بدانند. آن وقت همه مشکلات تربیتی در دانش‌آموزان حل خواهد شد.

*** مدرس آموزش خانواده و کارشناس حوزه کودک و نوجوان**

برای ایجاد این همسویی توضیح بیشتری دارید؟

بله. برای ایجاد این همسـویی لازم اسـت مدارس ارتباط نزدیکی را با خانواده‌ها داشته باشند. خانواده‌ها نیز با نظام و الگوی پرورشی مدرسه نزدیک و هماهنگ شوند. بنابراین فرزندان را باید در مدرسه‌ای ثبت نام کنیم که با الگوهای تربیتی خانواده هماهنگ باشد.

گاهی مسئولان یک مدرسه رفتار و تصمیمات‌شـان هماهنگ با آن بخش از اداره‌ای اسـت که بتواند از آن امتیاز بگیرند و خود و مدرسه را تثبیت کند بنابراین آنها الگوهایی را پیاده می‌کنند که آن الگوهای تربیتی را در رفتارهـای جامعه و الگوهای فرهنگـی، دینی، مذهبی جامعه نمی‌بینیم. چرا که صرفاً در فکر خود مشـاور پرورشی، مدیر یا معاون آن مدرسه است که برای حفظ نظام مدرسه انتخاب شده اسـت. بنابراین الگوها گاهی ناشی از الگوهای رشدی و تربیتی مسئولان و نظام پرورشی مدرسه اسـت که بر اسـاس موقعیت، ضرورت‌ها و حفظ و بقای مدرسه پیاده می‌شود.

نکته دیگر الگوی نامتقارن اسـت. در این حالت افراد الگوهای پرورشی خـود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که نظام حاکم آموزشـی آن را نمی‌پذیرد. به عنوان مثال گفته می‌شـود دانش‌آموزان را نباید وادار به نماز خواندن کرد. باید آنها را با تشـویق و همدلی همـراه کرد و از حد و مسیر دانش‌آموزان فراتر نرود. سـیستم آموزشی این قبیل الگوها را در اختیار مدیران مدارس و مسئولان پرورشی قرار می‌دهد اما آنها در حال حاضر مسائلی که گفته شـد تنها این روش اسـت و باید این می‌تواند در الگوهای پرورشی تأثیر منفی داشته باشد.

روش دیگر که بهترین روش برای همسـویی بین خانواده و مدارس اسـت، برگزاری دوره و کلاس‌های آموزشی خانواده اسـت. این می‌تواند الگوهای نامتقارن خانواده را با الگوهای پرورشی و تربیتی مدرسه هماهنگ کند. در اصل باید مربیان پرورشی از در پچه خانواده کار کنند و برای خانواده‌ها ثابت کنند این الگو مناسب فرزندشان اسـت و آن وقت در جامعه پرسـاب زندگی کنند. همچنین آنها باید اسـیب‌ها را به خانواده‌ها معرفی و راه‌حل دهند. قطعاً با همراهی مدارس و خانواده‌ها اسـت که به جامعه‌ای سالم، شاد و موفق خواهیم رسید.

۲ دهه مسابقه نفس گیر در یادگیری و نمره بیشتر، از پرورش غافل‌مان کرد

حسین علیزاده کوزه‌کنان*

■ لازمه تقویت پرورش دانش‌آموزان، خودباوری است

از منابع اصلی فعالیت‌های پرورشـی، احترام به خود، احترام به خداوند و جامعه اسـت. دانش‌آموزی می‌تواند معلم را دوست داشته باشد که اول خود را دوست بدارد. اگر این عزت نفسـ و یادگیـری آنقدر با دیگران مقایسـه شده‌اند که دیگر فرصتی برای پرورش ایمان، عزت نفس، تقوی، احترام به معلمـ، احترام به خود برایشـان باقی نمانده اسـت. یکی از علت‌های بی‌خاشگری دانش‌آموزان این اسـت که از او چیزی را می‌خواهیم که توان انجام آن را ندارد و از او رشـتای را توقع داریم که ویژگی‌های روانی و هوش ذهنی هماهنگ با آن رشته را ندارد. دانش‌آموزی که مقایسـه می‌شـود و عصبانی اسـت نمی‌تواند از نظر علمی رشـد کند و از نظر پرورشـی نیز فردی دیندار و دارای روح سالم نخواهد بود. گاهی خانواده‌ها و از انحاد هوشـی باید بی‌برند ولی معلم در کلاس او را بی‌کفایت می‌داند در نتیجه دانش‌آموز را خانواده را درموگکو و معلم را ظالم معرفی می‌کند. انجاسـت که هم آموزش و پرورش، دانش و ایمـان به هم می‌ریـزد و این نگـرش منفی به دیگران زمینه خود باختگی‌های دیگر را فراهم می‌کند. تربیت و پرورش دادن، ایمان، عزت نفس، دوسـت